

«فرهیختگان» گزارش می دهد: آمار خروج سرمایه از ایران تأسفبرانگیز است، دولت سیزدهم چه نقشه راهی دارد؟

خروج ۱۷۱ میلیارد دلار سرمایه در ۱۶ سال

صفحه ۸ را بخوانید

ولادت حضرت رسول اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) را به عموم محبان اهل بیت تبریک می‌گوییم

روزنامه خبری-تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران

صدای نجفگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه

تهران و واحدهای

دانشگاهی ۳۰۰۰ تومان

شهرستان‌ها ۲۰۰۰ تومان

شماره مسلسل ۴۱۷۷

پنجاهشبه ۲۹ مهر ۱۴۰۰

۱۴، سه‌شنبه ۱۴۴۳

درباره ترکیب عجیب هیات امنای بنیاد سینمایی فارابی و مسیری سخت که درپیش دارد

شوخی با فارابی

صفحه‌های ۱۲ و ۱۳ را بخوانید

www.Fdn.ir | Thu | 21 Oct 2021 | vol.13 | No. 34



صفحه ۲ را بخوانید

موضع اخیر گروسی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای ایران چه معنایی داشت

آژانس عکس‌سیا

در دفاع از فعالیت‌های تقریب مذاهب دانشگاه آزاد

وحدت مسلمین علیه خشونت

۱»

« یادداشت - ۲

در دفاع از فعالیت‌های تقریب مذاهب دانشگاه آزاد

وحدت مسلمین علیه خشونت

محمد نخی	ولایتکونسا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات
کارشناس فرهنگی	

ضرورت وحدت امت و انسجام میان پیروان دین حنیف اسلام

برمبنای عقل و نقل، آنچنان عیان است که حاجت به‌هیچ بیانی ندارد، لکن براساس نص قرآنی که در صدر کلام قرائت شد، برخی افراد و جریان‌ها درون جامعه اسلامی وجود دارند که علی‌رغم این همه بینه و دلیل روشن مبنی‌بر لزوم وحدت امت مسلمان، بازهم در مقام نظر و عرصه عمل بر طبل تفرقه می‌کوبند و در مسیر تحقق وعده شیطانی که ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء گام برمی‌دارند.

چالش اساسی امروز دنیای اسلام این است که گروهی با نام دین و با بهره جستن از ابزارهای دینی، درصدد ایجاد تشنج در بلاد اسلامی و ریختن خون پیروان مذاهب اسلامی هستند و به این واسطه چهره‌ای خشن و ناصواب از این دین رحمانی به جهانیان عرضه می‌کنند.

چهل و عدم آگاهی، تعصب بی‌جا و منیت و خودبرتربینی عده‌ای از مسلمانان، صحنه‌ای دور از عقل و اخلاق در این پهنه، ترسیم کرده است که نمودش را در انفجار و تخریب حتی اماکنی مانند مساجد مشاهده می‌کنیم.

آن هنگام که مسلمانان با پیروان سایر ادیان دعوت به گفت‌وگو حول یک محور مشترک شده‌اند (تعالو الی کلمه سواء بیننا و بینکم)، آیا این خودشان از هر مذهب و گروهی باشند محورهای مشترک فراوان اخلاقی و فقهی و کلامی ندارند که این‌گونه سراغ تفرقه می‌روند.

آگاه باشید که عموم و توده مردم قرن‌هاست در بلاد مختلف اسلامی در صلح و صفا با هم زندگی می‌کنند اما مع الاسف برخی عالمان دینی و سیاستون هستند که با گفتار و رفتار خود، جو متشنج غیراخلاقی و خلاف عقلانیت را به نمایش گذارده‌اند.

آنچه امروز در بخشی از جهان اسلام با نام داعش و طالبان و... عرض‌اندام می‌کنند نمایش جهالت و خشونت دینی است که بیش از پیش علما و نجبگان مسلمان را متعهد می‌کند به وظیفه ذاتی خود که ایجاد پیوند میان مردم است، عمل کنند که به‌فرموده امام‌علی(ع)، عالمی خدایی است که عامل پیوند میان مردم باشد.

یکی از ایامی که همه ما باید قوی‌تر و متقن‌تر و استوارتر از گذشته در مسیر تحقق امت واحده مدنظر قرآن (کان الناس امة واحده) گام برداریم همین هفته وحدت است که اساس و پیشینه‌ای محکم دارد و باید از آن نهایت بهره را برای یکپارچه‌ساختن امت مسلمان با وجود اختلافات ببریم.

آنچه مذموم است تفرقه است نه اختلاف که اختلافات موجود می‌تواند باعث پیشرفت و تعالی شود. اختلاف نباید به تفرقه تبدیل شود که آن اول و آخر بدبختی و هلاکت امت و جامعه اسلامی خواهد شد.

امت اسلامی و گروه‌های مسلمان هوشیار باشند که عامل اجرای دسیسه‌های دشمنان نباشند که این دشمنان نه می‌خواهند که شیعه وجود داشته باشد و نه اهل سنت و یقینا انسجام و وحدت میان شیعه و سنی خارجشم آنان است که این‌گونه درصدد تخریب آن هستند.

در مدت کوتاهی (یک‌و‌سهال و اندی) که از شروع فعالیت‌های تقریبی در دانشگاه آزاد اسلامی می‌گذرد، اقدامات وحدت‌آفرین فراوان و قابل تحسینی در مجموعه خانواده بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی صورت گرفته که به جرأت می‌توان گفت اشاعه فرهنگ عقلانیت و نشر گفتمان وحدت امت اسلامی را در پهنه گسترده ایران اسلامی در پی داشته است. گام برداشتن در این مسیر جز با پشتوانه و همراهی اساتید و اندیشمندان و اهل علم میسر نبوده و نخواهد بود و به‌جاست که در این‌جا از حمایت‌های بی‌دریغ ریاست محترم دانشگاه کمال سپاس را داشته باشیم.

پوریا پرندوش	صحبت‌های هفته گذشته یکی از طرفداران دونالد ترامپ به‌نام لورا لوی در
روزنامه‌نگار	

گردهمایی حامیان وی در «د موبن»، مرکز ایالت آیووا، مبنی‌بر احتمال وقوع جنگ داخلی در ایالات‌متحده، در این مدت واکنش‌های بسیاری را دربر داشته است. این واکنش‌ها که در شبکه‌های مجازی بازتاب بیشتری یافته، عمدتا حول به‌سخره گرفتن این نظر دور می‌زند. اما این مساله نشانگر نظرات تمام مردم آمریکا نیست زیرا بسیاری از طرفداران ترامپ از شبکه‌های اجتماعی مختص به خود استفاده می‌کنند. نظرسنجی‌های موجود دراین‌باره نشان می‌دهد تعداد افرادی که احتمال بروز جنگ داخلی در آمریکا را می‌دهند از تعداد افرادی که این احتمال را مردود می‌دانند، بیشتر است.

روز شنبه ۱۹ اکتبر ۲۰۲۱ (۱۷ مهر)، لورا لوی، نماینده جنجالی ایالت آیوا در گردهمایی در «د موبن» آیووا اعلام کرد: «آمریکا به‌سوی جنگ داخلی پیش می‌رود.» استدلال او این است که بسیاری از اعضای حزب جمهوری‌خواه «ضعیف‌تر از آنند که بتوانند در کنگره باشند.»

این مساله طی دو هفته گذشته بازتاب‌های زیادی در شبکه‌های مجازی آمریکا داشته است. در تحلیل هشتگ‌ها و کلیت بحث جنگ داخلی که از دوره ترامپ و خصوصا پس از رای نیاوردن او در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ و در جریان حمله طرفداران او به کنگره صورت گرفت می‌توان گفت:

۱- هدف ترامپیست‌ها و نمایندگان اینچنینی ایجاد تفکیک میان جمهوری‌خواهان واقعی مانند افرادی مثل مایل لی، تد کروز و رند پاول با باقی جمهوری‌خواهانی است که تفاوتی با دموکرات‌ها ندارند و به‌اصطلاح جمهوری‌خواهان تقلبی خوانده می‌شوند.

۲- این طیف معتقدند ساختار دوحزبی کنونی و نجبگان حاکم در آمریکا به فکر مردم این کشور نیستند و یک طبقه بسته‌اند که نمی‌توانند عملا مردم و طبقات اجتماعی متوسط و پایین آمریکایی را نمایندگی کنند.

۳- برخلاف جنگ داخلی ۱۸۶۱-۱۸۶۵ که با موضوعیت لغو برده‌داری و احیای فتودالیسم صورت گرفت، جنگ داخلی کنونی به‌نظر نه یک Civil War بلکه یک Un-Civil War است. بدین معنا که جنگی سیاسی است که درون سیستم و علیه نظام مستقر حاکم درخواهد گرفت.

۴- مسائل کنونی مورد اختلاف دیگر در ساختار، مساله برابری نژادی، کنترل اسلحه، سقط‌جنین، مشروعیت انتخابات، تغییرات آب‌وهوایی و ماجرای قرظینه هستند.

۵- مساله تشدیدکننده اوضاع خصوصا پس از به‌قدرت رسیدن ترامپ مساله فقدان و بحرانی‌شدن اعتماد به سیستم و ساخت سیاسی است.

۶- براساس گزارش موسسه بروکینگز، بسیاری از آمریکایی‌ها معتقدند یک جنگ داخلی می‌تواند در آینده اتفاق بیفتد که حدود ۴۶ درصد را شامل می‌شود.

۷- یکی دیگر از مسائل، ماجرای انشعاب در همبستگی ملی و افزایش وابستگی‌های منطقه‌ای و ایالتی به‌جای فدرالی است؛ این همان چیزی است که جنگ داخلی ۱۸۶۱ راه انداخت، یعنی تعیین تکلیف ماجرای اعاده اقتدار دولت در نظم فدرالی به‌جای ایالتی و حفظ فدرالیسم.

۸- همچنین در وضعیت کنونی گونه‌ای تئوکراسی وانجلیکال سفید درحال

دکتر طهرانچی در مراسم تقدیر دانشگاه آزاد اسلامی از قهرمانان المپیک و جهان:

تیم‌داری دانشگاه آزاد در رشته‌های المپیکی تداوم دارد

۱»

پیشینه بحث اخیر جنگ داخلی

تنها چند هفته پس از وقایع ششم ژانویه ۲۰۲۱ و حمله طرفداران ترامپ به کنگره که موجب اشغال چندساعته این نهاد ازسوی مهاجمان شد، یک نظرسنجی توسط zogby analytics در سطح ملی انجام شد که نشان می‌داد ۴۶ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند احتمال وقوع جنگ داخلی در آینده وجود دارد، ۴۲درصد نیز آن را بعید دانسته و ۱۱ درصد هم اعلام کرده بودند نسبت به این مساله مطمئن نیستند. به‌نظر می‌رسد جنگ برای افراد جوان‌تر بیشتر محتمل است زیرا ۵۳درصد از آنان به این ایده باور دارند. این درحالی است که تنها ۲۱درصد از افراد مسن چنین احتمالی را می‌دهند.

همچنین ساکنان جنوب ۴۹درصد، ساکنان منطقه دریاچه‌های مرکزی و بزرگ به میزان ۴۸درصد اعتقاد به احتمال بروز جنگ داخلی دارند. در همین حال اما ساکنان مناطق شرقی آمریکا تنها تا میزان ۳۹درصد احتمال بروز درگیری می‌دهند.

در این نظرسنجی سوال نشده که چرا مردم فکر می‌کنند جنگ داخلی امکان‌پذیر است یا چگونه می‌تواند رخ دهد؛ اما نیروهای متعددی باعث رخداد غیرقابل تصور می‌شوند و هنگامی‌که فاکتورهای تاثیرگذار منجر به رادیکالیزه شدن مطالبات شوند، جنگ داخلی غیرقابل اجتناب نیست.

مسائل حساسیت‌برانگیز

برابری نژادی، کنترل اسلحه، سقط‌جنین، مشروعیت انتخابات، تغییرات آب‌وهوایی، واکسن، ماسک و... مسائل زیادی از این دست تبدیل به موضوعات مناقشه‌برانگیزی در آمریکا شده‌اند. این مسائل تنها بخشی از موضوعات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی موجود در آمریکا هستند که می‌توانند خشم و خصومت ایجاد کنند. ما درحال حاضر شاهد جنگ‌های مرزی از طریق فدرالیسم هستیم و هر ایالت قوانین عمده‌ای را تصویب می‌کند که تفاوت قابل ملاحظه‌ای با سایر مناطق دارد. مهم‌ترین مسائل حساسیت‌برانگیز عبارتند از:

۱. سطوح بالای نابرابری و قطب‌بندی: گروه‌های مختلف که از نظر ایدئولوژی، نژاد، جنسیت، استانداردهای زندگی و فرصت‌های تحصیل و پیشرفت اقتصادی جدا شده‌اند، دیدگاه‌های کاملا متفاوتی درباره سیاست عمومی و جامعه آمریکا دارند. بسته به موضوعات می‌تواند در نظرات متفاوت باشد.
۲. دسترسی به اسلحه: آمریکا تعداد بی‌شماری اسلحه و شبه‌نظامیان خصوصی دارد. براساس آمارهای بنیاد ملی تیراندازی وانجمن تجارت اسلحه، ۴۳۴ میلیون اسلحه گرم در اختیار غیرنظامیان در ایالات‌متحده وجود دارد که نشان می‌دهد ۱/۳ تفنگ برای هر نفر در این کشور موجود است. سلاح‌های نیمه‌خودکار درمجموع حدود ۱۹/۸ میلیون سلاح را شامل می‌شوند که برای جمعیتی بسیار مسلح با قابلیت‌های بالقوه خطرناک ساخته شده است. گروه‌های شبه‌نظامی آمریکا عموما از سفیدپوستان راستگرا تشکیل شده‌اند که نگران تغییر وضعیت جمعیتی در این کشور علیه سفیدپوستان هستند. همچنین آنها طرفدار کارگران سفیدپوستی هستند که از رکود دستمزدها رنج می‌برند. این گروه‌ها پتانسیل خشونت را ایجاد می‌کنند زیرا تمایل دارند

لایحه رتبه‌بندی معلمان در آستانه تصویب

کمیسیون بر مبنای تخصص و عدالت مصوبه را تنظیم کند

۱۶»

افراد رادیکال را جذب کرده و اعضا را برای برخورد‌های خشونت‌آمیز تربیت کنند. این گروه‌ها از رسانه‌های اجتماعی برای ترویج باورهای خود بین مردم استفاده می‌کنند.

فاکتورهای محدودکننده جنگ داخلی

در شرایطی که براساس نظرسنجی‌ها درحال حاضر میزان محبوبیت ترامپ در آیووا از زمان ریاست‌جمهوری وی بیشتر است، اما این بدان معنی نیست که وی قطعا خواهد توانست موجی عظیم ایجاد کرده و علاوه‌بر پیروزی در انتخابات سال ۲۰۲۴ بنیان‌های سیاسی آمریکا را زیر و رو کند. به‌عبارت دیگر، سیستم سیاسی این کشور به‌گونه‌ای طراحی شده است که عملا اجازه یکه‌تازی به هیچ‌یک از سه قوه حکومت را نداده و هیچ‌یک از نظارت دیگری مصون نیست.

اگر برخی با استناد به تاریخ و جنگ داخلی نیمه قرن نوزدهم این کشور استدلال کنند که وقوع مجدد چنین جنگی محتمل و نزدیک است، به‌بیراهه می‌روند. شرایط آمریکا با سال‌های دهه ۱۸۶۰ بسیار متفاوت است، در آن زمان جنگ برسر لغو قانون برده‌داری آغاز شد و ایالات جنوبی که اقتصادی بر پایه کشاورزی داشته و به بردگان کارگر نیاز مبرم داشتند از ایالات‌متحده آمریکا خارج شده و اتحادی جدید را شکل دادند. اما در شرایط فعلی نه بحرانی آنچنان عمیق و گسترده وجود دارد که مردم و ایالت‌ها را در برابر هم قرار دهد و نه طرفداران ترامپ آن میزان از نفوذ و قدرت را در جامعه آمریکا و نهادهای حاکمیتی آن دارا هستند. به این ترتیب اگرچه برخی از حامیان ترامپ و خودوی تلاش دارند عقاید توطئه‌باورانه خود را به درون جامعه پمپاژ کنند، اما واقعیت این است که وزن گروه‌های موقر حمایت‌انها مانند «کیو انان» تنها آنقدر است که فقط توانسته یک نماینده را وارد مجلس نمایندگان آمریکا کند و آن نماینده از دانش و تجربه بسیار پایینی برخوردار است، تا جایی که نتوانسته در هیچ‌یک از کمیسیون‌های این مجلس عضویت پیدا کند. به همین دلیل جنگ داخلی در آمریکا فاکتورهای محدودکننده‌ای دارد که به‌عنوان نمونه شامل دو مورد زیر می‌شود:

۱. شخصی‌بودن نظرات: اکثر کسانی که درمورد جنگ داخلی صحبت می‌کنند، شخص هستند نه نهادهای دولتی. وقتی ایالت‌های جنوبی در سال ۱۸۶۰ جدا شدند، نیروهای پلیس، سازمان‌های نظامی و شبه‌نظامیان تحت حمایت دولت بودند. این امر به‌طور قابل توجهی از امروز متفاوت است و نیروهایی که برای خشونت داخلی سازمان دهی شده‌اند عمدتا ماهیت خصوصی دارند. آنها توسط دولت‌های ایالتی یا محلی حمایت نمی‌شوند و از قدرت نهادهای دولتی برخوردار نیستند. آنها ماهیت داوطلبانه دارند و نمی‌توانند دیگران را مجبور به پیوستن به اهداف خود کنند.

۲. عدم وجود شکاف منطقه‌ای: هیچ شکاف منطقه‌ای مشخصی وجود ندارد. هیچ شکافی در شمال /جنوب مشابه قرن ۱۹ وجود ندارد. تفاوت‌های شهری/روستایی در ایالت‌های خاص وجود دارد؛ اما این اختلاف جغرافیایی بسیار متفاوت از زمانی است که یک منطقه می‌تواند با منطقه دیگری بجنگد. فقدان تقسیم جغرافیایی متمایز با یکنواخت، توانایی مقابله با مناطق دیگر، سازماندهی زنجیره‌های تامین و بسیج جمعیت را محدود می‌کند. ممکن است درگیری‌های محلی بین نیروهای مختلف رخ دهد، اما نه وضعیتی که یک ایالت یا منطقه به ایالت دیگر حمله کند.